

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه مفتکی  
ویومه (جلالتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
نیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومه

# کاملین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منک  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است  
اعلان سطری دو قران است

(روزنامه یومه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)  
(بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

دوشنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۲ هجری قمری ۱۷ فروردین ۱۹۰۸ میلادی

(عزای من — قابل ملاحظه اهل منبر)  
ماه محرم و صفر که موسم طنین غم است بسر آمد و غمهای دلسوز ما ناگفته ماند واقعه غمناک کربلا داغی بردلهای مسلمانان نهاده که تاقیامت مرهم نپذیرد و زخمی بر جگر شیعیان زده که تاحشر التیام نکند شرح آن وقایع جان کداز در بلاد ایران در تمام ایام سال بخصوص از اوایل محرم تا اواخر صفر کوشش نام و موضوع انعقاد مجامع خاص و عام است  
این اجتماعات و این محافل و این عزاداریها یکی از رسوم ملیه شیعیان است که دانشمندان مغرب زمین خبی بنظر اهمیت در آن می نگرند و این نکته را یکی از مهمترین وسایل هیجان حس می و یکی از بزرگترین موجبات تحریک غیرت اسلامی و یکی از بهترین اسباب جوشش و حیت مذهبی می شمارند

شک نیست يك محرك معنوی که می متدینین دیانت تشیع را در ایران با اسم عزاداری بر سر این هیجان غیرت ملی و این جوشش لطیفه محبت دینی متفق می سازد بلنالی یکی از اسباب عمده قوت و نفوذ ملة ایرانی و یکی از وسایل قدرت و پیشرفت بلنک ایران تواند بود — مزایای عقلی و محسنت عرفی و فواید حسی با دلایل و براهین شرعی که بر تائید استجاب این مسئله قائم گردیده و آنچه اخبار متواتره و تشویقات صریحه که در این موضوع از بزرگان دین ما رسیده هیچگونه مجال تامل در لزوم آن برای مابقی نمیکندارند نتایج اخروی و فواید معنوی که بر این تئزیه داری مترتب است امروزه بواسطه تذکارات مکرره حضرات فاکرین که چندین هزار نفر دهر کوشه ایران موجودند بقدری خاطر نشان عوام گردیده و باندازه

در انظار انام جاوه کر شده که الان در حکم يك فریضه مهمه دینی و یک تکلیف عمده مذهبی شمرده می شود حتی اغلب کسانی که در رعایت حدود و اجبات و محرمات جدأ مسامحت دارند در هنگام غمناکی چنان سر از پا نشانخته اقدام می نمایند که گویا این مسئله مستحبه را فوق جمیع واجبات می شمارند بحالتاً ما را در این مطالب بختی نیست چیزی که بی جای افسوس است اینست که غفلة واعظین از یقین حقایق این فاجعه عظمی و سکوت فاکرین از تحقیق اسرار این وزیه کبری ما را از آن نتایج خبی عمده و فواید بسیار بزرگ که ممکن بود فعلاً بر این اجتماعات و این عزاداریها مترتب بشود محروم ساخته پنجاه سال که در مجالس عزاداری با منبر این آقایان عمده اندا کرین ها می نشینیم بجز اخبار سطحیه این واقعه دهشتناک که هر روز حرقاً بحرف تکرار می کنند هیچگونه مطلبی هیچ قسم تحقیقی از اسرار مکنونه این مصیبت عظمی که داعی بر تبه و وسيله نجات می تواند شد نمیشنوم اغلب مرثیه خوابهای ما گریه تین مستمعین را ولو بذكر اخبار موضوعه و اکاذیب مجموعه که حمید بن مسلم برای خوش آمد یزید با هزار آب و رتق نوشته بود سند لیاقت و دلیل رشادت و علامت فتح نمایان خود می پندارند و از هزاران دقایق ورموز وقعه کربلا بجز تکرار اخباریکه غالباً مقرون بصحة و مستند بمبادی عصمه نیست چیزی دیگر بلد نیستند اینست که هر يك از ماها تمام وقایع دلسوز کربلا و مقدمات و مؤخرات آرا هزار دفعه شنیده و به علت اصلی و سر حقیقی آن حادثات جگر کداز پی نبرده ایم هنوز نمیدانیم که حضرت ایجدالله عم خود و انوان و انصار خود را بر آن مهلکه مهلاکه نینداخت مگر برای

اینکه شیعیان او گرفتار نهاده اند و امروز نشوند هنوز نمیدانیم که شهدای کربلا در دریای خون غوطه نخوردند مگر برای اینکه کشتی استقلال ملی ما امروزه دچار چهار موج افراط نکرده هنوز نمیدانیم که آن نفوس زکبه پیمان حیات خود را معرض اهدام ساختند مگر برای اینکه اساس حیات ملی اسلام به این رخته و تزلزل امروزی مصادف نشود هنوز نمیدانیم که آن علمداران حریت اسارت اهل و عیال را متقبل نکردند مگر برای اینکه زنجیر اسارت امروزه بگردن ملة اسلام گذارده نشود هنوز نمیدانیم که آن ابدان مطهره با شمشیر ظلم دشمنان قطعه قطعه نکشتند مگر برای اینکه دوستان خود را باجاء عدالة و اعلاء اسلامیه زنده سازند هنوز نمیدانیم که حضرت سیدالشهداء را ممکن بود که بایک بیعت لسان بیزیدین معاربه که بطناً هزار قسم جای مخالفة باقی باشد این داهیه دها را امکان وقوع و مجال حدوث ندهند و بایک اظهار قوی فعلیه حدوث چنان قاجماً دهشتناک را در تاریخ عالم مسکوت عنه بگذارند ولی آن مظهر عدالة ربانیه و آن مصدر غیرت اسلامیه و آن منشاء قوانین الهیه نتوانست به بیند که عدالة حقّه پامال شهوت رانیهای یزید بشود نتوانست به بیند که ریاست اسلامیه دستخوش اهواء نفسانیه آن ملعون پلید گردد نتوانست مشاهده کند که قوانین الهیه بواسطه شقاوتهای شیطنت کارانه آن ظالم عنید مهمل نماید این بود که تزلزل ارکان اسلام و تزل ملة اسلام را با حیات خویشتن منافی دید و تصدیق چنان سلطنته ظالمة مستبده را با غیرت و لویه تنه پستید قتل خود و هفتاد و دو تن از منسوبین خود را و غارت و اسارت عیال و اولاد خود را بر ذلة ملة خویش ترجیح داد و برای حفظ استقلال ملی سر مشق غیرت و همه اسلامی بعموم شیعیان خود ابد الذم یادگار نهاد این کلام معجز نظام که فرمود ( شیعنی ما ان شربتم ماء عذب فاذکرونی ) ( او سمعتم بغریب او شهید قاندبونی ) با اشارات خاصه و تلویحات مخصوصه بکوش هوش ما می رساند که ای شیعیان من اگر رقی توانستید که از ظلم حکام جور رهائی یافته در سایه عدالة و مشروطیة آبی به آسایش بوريد آوقت بیاد آوريد مرا و متذکر شوید که چه قدر بلا یا و رزایای فوق الطاقه را متحمل شدم برای چنان روزیکه شما از حرارت ظلم خلاص شده ( عدوبت ) و کوارانی شربت آزادی را ذک نمایند و اگر با آتمه زحمت و مصائب که من در راه قدرت اتفاق و اخوت اسلامی کشیدم باز بشنویید که در روی زمین بکنفر مسلمان غریب مانده یا در تمام گرفتاری مسلمان در دست کافری شهید گردید آوقت زار زار بر

من و مقاصد اسلام پرورانه من کربه کنید زیرا که اگر کل ساکنین دنیا بروفق اهتمامات جان سپارانه ما در وظل لواء اخوت و دیانت اسلامیه مجتمع و متفق بودندی هرگز مسلمان در دنیا غریب نبود و هرگز دشمن برای اسلام پیدا نشدی که مسلمان را شهید نماید ( خوب ! حالا به بینیم مناسبت ما به آن اسلام که در حفظ استقلال آن و استحکام اساس آن اولیای ما اینهمه فداکاریها فرمودند چه چیز است و مشابهت ما بدان بزرگواران در کدام صفت ؟ اگر این نکته را درست تفکر نمایم و رفتار و گفتار و کردار خویش را با مقتضیات همان ملة اسلامیه در دو کفه انصاف و وجدان بسنجیم بدون یکذره تردید تصدیق خواهیم کرد که نه تنها باین اعمال نکرده ایم تا سبمان بدیانت حقّه اسلامیه بجز لفظ خالی نیست بلکه در عین نسبة به اسلام عالم کفر را شرمندة جهالة خویش نمودیم : نه تنها باین ملکات ذمیه ادعای دوستی باین بزرگواران دعوی بلا دلیل است بلکه در عین اظهار محبت اولیا سجل عداوت آن مظالمه و عصمة را با مخالفتی بی درینامضا کرده ایم. نه تنها باین رفتار و حیثانه و کردار جعلانه روضه خویشتنهای ما تمزیه داریهای ما یک بازیچه بوالهوسانه پیش نیست. بلکه در عین عزاداری بمصائب امام علیه السلام بواسطه اعمال اسلام فرسای خود هر لحظه زخمی تازه بتلب نازنین آنحضرت زده و میزیم بجه دلیل ؟ بهمان دلایل و برا همین که خود آنحضرت و اسلاف پاک و اخلاف تابناک او در هزاران مقام فرموده اند بدلیل اینکه احکام خداوندی را که در باب مواسات و مساوات و عدالة رسیده پشت سر انداخته ایم بدلیل اینکه وصایای نبوی را که در اتمام و اتحاد و خدمة بنوع وارد شده به یکسو نهاده ایم بدلیل اینکه فرمایشات بزرگان خرد را که ما را به تحصیل علم و تهذیب اخلاق و سیر در مدارج ترقی و تمدن دعوت فرموده اند مهمل گذاشته ایم بدلیل اینکه همان قوانین الهیه و همان موجبات ترقی انسان و همان اسباب سعادت بشر که ارسال رسل و ازال کتب و بعث انبیا و نصب خلفاء تمام از برای احیا و ترویج آنها مقرر شده و جمیع اولیاء دین الهی تمام هستی خود را در تقویت و نگاهداری آنها صدقه محقر و فدیة ناقابل شمرده اند الان در پیش چشم ما در سایه غفلة و جهالة ما لکد کوب شیکل کفر و ظلم و استبداد می گردد بدلیل اینکه ناله دلربای ( هل من ناصر ینصرنی ) از لبهای تشنه امام علیه السلام هر لحظه به سامعه ادراک ما میرسد و در عوض نصرت و معاونت اضلاع مخالف میوزیم چه طور ؟ برای اینکه مقصود آنحضرت از این عبارت طلب نصرت شخصی نبود بلکه تقاضای معاونت دین حق بود و هر یک از ماها بحکم ( کلا ارض کربلا و کل یوم عاشورا ) هر روز

دو ساعت بر حسب دیانت تشیع مأمور و مکلفیم با اقدامات و اهما مانی که نتیجه آنها نصرت و تقویت اسلام و مردم رخمهای قلب امام است پس باید از روی کمال دقت و بجهیم که امروزه بچه و سبیله اساس دین را مستحکم توان نمود بکدامین اسباب بیان اسلام را از تزلزل و انهدام و ملة اسلام را از انقراض و اضمحلال محفوظ توان داشت بمبارة اخری در جلو آن امواج فتنه خیز در پای کفر که نایک عجله تمام دست بدست داده اند که مساجد ایران را بکلیدیا و صوت اذان را ببنایک ناقوس مددل سازند باچه اسباب سدی آهزین توان بست این مطلب را از هر غافی می برسیم بدون تردید و تامل بما جواب میدهد که باجمع حواس باید به تاملین بلاد پرداخت بکدقینه زودتر باید بانک من را تالیس کرد باعجله تمام باید قشون من را تشکیل داد بسرعت هر چه تمام تر باید در نشر معارف و تالیس مدارس کوشید با اهتمام تمام باید در ترویج صناعت و توسیع فلاحت همه کاشت باجد کافی باید صرف مقدرت در تکثیر تجارت و تزید صادرات مملکه نمود باجهد وافی باید به تسطیح طرق و شوارع و تمدید راه آهن شتافت بازم راسخ باید ترویج امتعه وطنی را وسیله قطع توذ اجانب قرار داد برای قطعی باید اجرای جمع قوانین متقنه را وجهه همت ساخت بسیار خوب ! همه این مطالب صحیح است اما ضمیر این همه مشتقات بکجا راجع می شود و فاعل این افعال کیست ؟ مصادر امور سرگرم بادة عرور و از اعراض شخصیة بمصالح نوعیه نمی پردازند ملة بدبخت هم دروادی غفلة حیران و در تیه جهالة سرگردان مانده پس تکلیف چیست ؟ این مسئله را باید از همت و اولای خطباء و ناظرین و واعظین اهل منبر پرسید که هر یک از آنها اگر خود باخبر باشند هزاران نفس بی خبر را بمحقوق من ووظایف اسلامی و تکالیف ایرانیت خود واقف توانند نمود این سلسله جلیله اگر بدل همت ملة خوا هانه بر معاونت حضرت امام عم نمایند بافرا د و آحاد این ملة بانک زده میتوانند حانی کنند که نما داری حضرت سیدالشهدا فقط عبارت از این نیست که همه ساله چندین کرور پول مسلمانان را باسم تعزیه امام علیه السلام بیکه خارجه و بخته قند و جانی برای روضه خوانی بخریم فقط شبیه کردانی و باشیور و طبین و موزیک دست بندی و از برای علمداری و سر دسته کی جنگ آزمائی و کسفن پوشی و قه زنی و جریده برداری و ذوالجنح سازی و نخبه آرائی و امتاک اینها به نهایت ما را باستحقاق تعزیه داری و لیاقت دوستی بزرگان دین ممرقی نمیتواند کرد و فقط بواسطه این اعمال حق نداریم که با صد هزاران اخلاق رذیله و لاابا لیکرهای و حشیه تمنای نجات دنیا و آخرت نمایم

( خانه از پایست و بران است )

( خواجه در فکر نقش ایوان است )

خلاصه مذاکرات دارالتوری شنبه ۲ ربیع الاول اظهار شد که جناب مخبرالملک قبول ریاست نمودند بلید رئیس دیگر انتخاب کرد بعضی از خودش استفسار کرده اند که چرا قبول نکردید جواب دادند که در عهده خودم نمی بینم استدعا دارم که دیگر را انتخاب نمایند اخذ وائی در خصوص انتخاب رئیس شد با اکثریت آراء جناب ستار الدوله منتخب شدند و بمقام ریاست جا گرفته شرحی الظهور داشتند که اولاً وکلا باید شغل مجلس و وظیفه وکلانی را از سایر کار های شخصی مقدم بدارند در سر موعده معین حاضر شوند قبول انتظام نموده همراهی در تنظیم مجلس بنمایند و نظامنامه داخلی را باید اجرا نمود هر گس در وقت معین حاضر نشوند جزو غائبین نوشته هر روزنامه اعلان می شود موضوع مذاکرات مجلس باید قبل از وقت معین باشد کمیونها باید نتیجه کارهای شان را هفته یک مرتبه روی کاغذ آورده بمجلس بیاورند و هر گاه وکلا صلاح بدانند خودم هم پیام در عمارت بهارستان منزل نمایم که بیشتر وقت را صرف مشاغل مجلس نمایم جمعی تصویب نمودند مذاکره در تعیین وقت انعقاد مجلس شد بعضی گفتند دو ساعت ضرور مانده شد و تا یکدو روز آئین وکلا سر ساعت شد و هر گاه چند دقیقه دیر بماند اسامی شان جزو دیر آمدگان ثبت می شود و هر گاه تسلیت دیرتر بیایند جزو غائبین شمرده می شوند و قرار شد مجازاتی از برای کسانی که دیر می آیند یا آنکه نمی آیند معین شود

در خصوص نظامنامه داخلی مذاکره شد که باید اجرا شود و زودتر توافق آراء نوشته بمجلس آمده بگذرد که مجری شود گفته شد که بواسطه بعضی خیالات بعضی این نظامنامه را ناقص دانستند و بیان واسطه تاکنون آجری نشده و حالاً هم بمجال اینکه تمیم آن نوشته شود مست همین طور مجلس بدون نظم خواهد بود در خصوص رفیق مسیو پریم مذاکره شد و در قه و آنکه وزیر مایه در باب رفیق او واستداعی سفارش نامه از مجلس با محسن ولایت رشت که از سرحد اترلی بگذرد نوشته بود قرائت شد و مسیو ملیر را از جانب خود وکیل نموده که بمحاسبات مسیو نوز رسیدگی شود اظهار شد اگر مسیو پریم وکیل در توکیل بوده صحیح است والا نمیتواند بدیکری وکالت دهد گفته شد که سفارت بلژیک نوشته آورا امضا کرده و وقت رفیق مسیو نوز هم ضمانت کرده که هر گاه باقی دارد بپردازد کند در این صورت معلوم است که میتواند بدیکری را وکیل نماید فرار شد از

وزیر مالی  
در این باب  
اظهار  
خان در این باب  
که مجلس  
دسته سر باز  
رفع کرده  
پول میخوا  
بانها پون  
میخواهند  
حقوق هشت  
جهت ضعف  
است و تاتر  
داده نشود  
اجرا  
انتخاب و بر  
گیری از  
از طرف  
نموده و ع  
که از حد  
دارند مجاز  
مجرای  
در  
( طلش )  
بعضی از  
اغتشاش  
از این م  
و محمدان  
که ابواب  
نهایت ام  
مذهبت  
و حاجی  
افسوس  
ایران و  
صلاح م  
شبهه و  
اختلاف  
دیگر لا  
تصرف که  
اتحاد اس

ایوان است )  
بیع الاول  
ریاست خودند  
خودش استفسار  
ند که در عهده  
تایب نمایند اخذ  
یت آراء جناب  
با گرفته شرحی  
مجلس و وظیفه  
بدارند در سر  
وده همراهی در  
باید اجرا نمود  
و غائبین نوشته  
کرات مجلس باید  
کارهای شان را  
بیاورد و هرگاه  
بارت بهارستان  
غل مجلس تایم  
تعیین وقت انعقاد  
مانده شد و تا یکد  
چند دقیقه در  
ی شود و هرگاه  
می شوند و قرار  
یا آنکه نمی آیند  
کرده شد که باید  
بمجلس آمده  
بعضی خیالات  
واسطه ناکنون  
آن نوشته شود  
بود  
کردند و وقته  
سفارش نامه  
حد اترلی بگذرد  
از جانب خود  
شود اظهار شد  
بیع است والا  
سفارت بلژیک  
نوز هم ضیانت  
در این صورت  
باید فرار شد از

وزیر مایه توضیح خواست و در کمیون هم دقتی در ایجاب بشود

اظهار شد که مدتی است جمعی از دست جهانشاه خان در ایجاب منظم و او هم بدلیه حاضر نمیشود خوبست که مجلس بوزیر عدلیه بنویسد که او را حاضر نماید و این دسته سر باز هم که اینجا متظلمند باید قال و قبل آنها را رفع کرده که حواس و کلا جمع باشد گفته شد که اینها پول میخواهند و وزیر چک حواله گرفته که روز دوشنبه بآنها پول بدهد اینها قبول ندارند بعضی گفتند اینها میخواهند زیاده از حق خود بگیرند چهار صد تفری میخواهند حقوق هشت صد تفری را بگیرند بعضی اظهار داشتند جهت ضعف وزارت چک و عدم اخذت صاحبانصان است و تارتیب صحیحی در نظام پیدا نشود و حقوق صحیح داده نشود بحیور زمین حرکتند ( مجلس ختم شد )

حبل المتین

احساسات وکلای محترم و امنای ملت را در این حسن انتخاب و برگزیدن جناب ممتاز الدوله را بریاست دارالشوری کبری از صمیم قلب تمثیه می گوئیم و جناب رئیس را از طرف عموم ملة قدردان بنقل مقام متبوع ریاست تبریک نموده و عرض تشکر و امتنان تقدیم می نمائیم و امیدواریم که از حسن نیت و صفای عقیدتی که در راه خدمت وطن دارند مجلس مقدس صورت پارلمانی یافته و اموراتش از بحرای صحیح جاری گردد

( از اترلی )

در ظرف این هفته بملاحظاتی چند بطوالش ( طالش دولاب ) رفته مراجعت نمودم هنگام حرکت بعضی از خیر خواهان این مسافرت و حرکت را بواسطه اغتشاش انصافجات صلاح نمیدانستند ولی چون عرض از این مسافرت خدمه بوطن بود سر بکف گرفته رفته و بجمدانه سلامتی هم مراجعت نمودم ( طالش دولاب ) که ابواب جمعی حکومتی ضرغام السلطنه است خود در نهایت امنیه بوده است اغلب از اهالی خسته طوالش سنی مذهبند در مجلسی که در دار الحکومه اینجا منعقد بوده و حاجی فخر الدین اقتدی قاضی اینجا حضور داشت خیلی افسوس می خورد از گنه تعصب مذهبی که در سر حد ایران و عثمانی شیوع پیدا کرده است و اظهار می کرد صلاح مسلمانان عالم بحکم عقل و شرع اتحاد و اتفاق است شیعیه و سنی هر دو برادر دینی هستند و هم مسلمانند اختلافی که بیسی چه ملوا جز اتحاد و اتفاق امروزه چیز دیگری لازم نیست تکلیف اسلام برستی ما به تقاضای این عصر که نور مدنیت عالم را احاطه کرده اتحاد است اتحاد است اتحاد اتفاق است اتفاق است اتفاق ...

چهار رأس عوامل از مال شخص خلخالی را که از طرف کرگانه رود خریداری کرده خواست باترلی بیاورد کسان ضرغام السلطنه ضبط و سدعی شده بود که در چهار سال قبل کسان سردار امجد احشام و اغنام مرا ناراج و غارت کرده بوده است این از همانهاست و نمیداد و فروشنده را از خریدار می خواست بالاخره نظر بدرخواست بنده آن مال ها را قرار بود بخردار خلخالی تسلیم کند و خریدار هم بعضی اسناد در اثبات خریداری خود ارائه داده بود بهر وسیله بود محض اینکه خود را مثل سایر حکام طوالش بدانام و کهنه پرست بقلم نهد ضمناً خواهش بنده را هم که خدمت بضرغین بلکه بابنه وطن است قبول نمودند ضرغام السلطنه از بدو مشروطیه حدود ابوابجمعی خود را که ( طالش دولاب است ) منظم و امن نگهداشته است و بر ضد اساس مشروطیه اقدامی نکرده است امسال خیلی بضرغام السلطنه اشاره شده بود که حمله باترلی نماید نکرد اترلی هم همانطور ها که می شنوید هست معین الممالک رئیس انجمن ولایتی کیلان و حاجی رضا وکیل اینجا از رشت باترلی آمده اند تا تحقیق و رسیدگی نمایند که حق با کدام است تفصیل طولانی است انشاء الله بعد از اصلاح می نویسم و بعد حاجی معین الممالک و حاجی رضا باقرآقاها و نایب الحکومه جدید میرزا حسین خان کسائی برشت رفته و قرار شد هر کس را اهالی اترلی میل بحکومه دارند برای آنها تعیین بشود تا ظهور الدوله تشریف بیاورند چه بشود بموجب اخبار صحیحه دیروزه مجلسی از علماء و اعیان و بزرگان و اهالی شده حاجی معین الممالک و حاجی رضا رئیس و وکیل انجمن ولایتی رشت هم بودند بعد از مذاکرات زیاد ایرادی نتوانسته اند وارد آورند و مذاکرات ختم شده ( ابوذر )

ایضاً

ظهور الدوله حکمران پرروز باترلی تشریف آوردند مراسم احترام در حق ایشان بعمل آمده ظهور السلطان پسر خود شاترا از طرف خود نایب الحکومه اترلی مقرر داشتند اهالی اترلی نیز از تعیین ایشان بحکومت خوشوقتند انشاء الله رفتارشان عاقلانه و عادلانه خواهد بود و بعدها راپورت اعمال حکومتی ایشان را با اداره از نیک و بد بدون ترس و واهمه در کمال اقتدار و جرئت خواهم فرستاد عاجلاً اترلی امن است چند نفر اشراری که شرارت می کردند در حبس حکومت هستند و بعد از مجازات دیگر مرتکب شرارت و جنحه و جنایت نخواهند شد ( ابوذر )

( حسن الحسینی الکاشانی )